

مهم‌ترین وظایف دانشجویان

در مرحله کنونی انقلاب

از: استاد سید علی خامنه‌ای

حزب جمهوری اسلامی

گفتار شماره ۲

بها ۱۰ ریال

تاریخ ۵۸/۸/۲۸

مهرم ترین وظایف دانشجویان

در مرحله کنونی انقلاب

از: استاد سید علی خامنه ای

دانشجو چگونه میتواند عمل صالح را پیدا بکند و شایستگی را بشناسد
 آنوقتیکه موقع دانشجو را بشناسد در کل حرکتهایی که در زمان ما ،
 در منطقه زیست مایعنی ایران جاریست و نیز کلیه حرکتها و جریان
 های گوناگونی که در کل جهان مشغول فعالیت است بازبان خلاصه تر
 و کوتاهتر و قابل استنتاج تر ، ما تا وقتی که جهان را با جریانهای
 سیاسی اش با توطئه‌هایش با خواسته‌هایی که قدرتمندان وسلطه داران
 جهان در دل و در سر دارند شناسیم و مادامی که ایران را در شرایط
 کنونی با جریانهای حاکم بر آن ، جریانهای سیاسی ، توطئه ها ، نمود
 هایی که برای ما امید انگیز است ، و نهادهایی که برای ما احساس
 خطرا زنده میکند بدرستی شناسیم و مادامی که در کل این مجموعه
 موقع دانشجو را شناسیم ، عمل صالح دانشجو را نخواهیم شناخت
 پس اینها را باید بشناسیم ، من بدون اینکه در این وقت کوتاه
 که کوتاهی وقت این جلسه هم یک مسئله است . ساعت ۲ شما کلاس
 دارید و من هیچوقت نمیتوانم از خودم این تضمین را بگیرم که تا
 ساعت ۲ همه برنامه‌ها تمام شده باشد . یک فکری برایش بکنید ، راه
 حلی برایش پیدا بکنید یا ظهر را جلو ببرید یا کلاس را عقب ببرید
 در این وقت کوتاه بنده نمیخواهم همه این مسائل را بشکافم این
 شما هستید که همین مسائل را هم باید بشکافید و بشناسید و بشناسانید
 آنچنانکه خواهیم گفت من میخواهم سر رشته سخن را و تفکر در این
 زمینه را اینجا بدست بدهم . در کل جریانات اساسی مملکت ما ،
 امروز موقع دانشجو چیست ؟ و چه بود دیروز ؟ چه خواهد بود در
 آینده ؟ دانشجو قشری از روشنفکران جامعه است . روشنفکر را به هر

بسم الله الرحمن الرحيم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله

العالم بزمانه لاتهجم عايه اللوابس

انگیزه مسلمانی از ما عمل می‌خواهد و درکنار این انگیزه ، انگیزه
 های گوناگون دیگر ، انگیزه عاطفی انسانی ، انگیزه عدالتخواهی ،
 انگیزه خصومت و بغض با شیطانها و طاغوتها و انگیزه مسلمان بودن
 ما در همه این انگیزه ها و جامع همه آنهاست . اینها همه از ما عمل
 می‌طلبند .

این عمل چیست ؟ چه بکنیم که پاسخی به همه این انگیزه های
 صادق داده باشیم . هر عملی مطلوب نیست . عمل صالح مطلوبست .
 صالح را بد زبان فارسی سره خودمان ترجمه کنیم ، شایسته ، شایستگی
 به چیست ؟ به این است که زمان را و مکان را و شرایط را و جریانهای
 گوناگون را بشناسیم و کاری بر وفق طلب این شرایط انجام بدهیم .
 این عمل شایسته است . لذاست که قرآن هرگز ما را به عمل زدگی
 " بطور مطلق " دعوت نمیکند همواره ما را به عمل صالح فرا میخواند
 ما آن وقتی میتوانیم عمل صالح و شایسته را بشناسیم که این همه
 خصوصیتها را بدرستی بدانیم . از کلی مطلب خارج میشویم بخشی
 از آن را که مخصوص این محیط و این جو و شاهست . مورد مطالعه
 قرار میدهیم ، محیط دانشجویی ، جو دانشجویی و شخص دانشجو .

معنایی که فرهنگداران نوین برای ما معنا بکنند در نتیجه گیری ما تفاوتی ایجاد نمیکند. نوشته خدمت و خیانت روشنفکران را ببینید از آل احمد. مفهوم روشنفکر را همه ما میفهمیم. آن کسی که با اندیشه‌ای که میکوشد آزاد باشد در محیط اجتماعی زندگی میکند، روشن بین است، آگاه است. از مسائلی آشناست که توده مردم و عامه مردم بطور طبیعی از آن آگاه نیستند هراسمی روی این جمع میگذارید بگذارید تکلیف روشنفکر معلوم است. روشنفکر را در یک نمایشنامه‌ای که یکی از روشنفکران زمان ما نوشته و تنظیم کرده بخوبی میشود شناخت. نوشته، آی باکلاه و آی بی کلاه. نمایشنامه از غلامحسین ساعدی، اگر این نمایشنامه را خوانده باشید روشنفکر همان آقای روی بالکن است. آقای بالای ایوان، او چیزهایی را میبیند که مردمی که در سطح کوچه دارند حرکت میکنند آن را نمیبینند. او درجایی ایستاده است که جریانها را میبیند و میتواند آنها را بشناسد. مردم بطور طبیعی از دانستن آنچه او میداند ناتوانند. مگر او بگوید و او بخواهد، نقش روشنفکر در جامعه معلوم شد. روشنفکر باید مایه‌ای از روشنی را در جامعه ایجاد کند باید پیام آور نور و روشنایی باشد باید نقاط ابهام را بزدايد، باید مغزهای مرده، مغزهای بی خبر، مغزهای ساده اندیش را که جز از طریق چشم نمیتوانند پیرامون خود را بشناسند و بفهمند، توجیه کند. باید معلم مردم باشد، مرشد مردم باشد این نقش روشنفکر است. البته در گذشته روشنفکران گاهی این نقش را ایفا کرده‌اند و گاهی هم ایفا نکرده‌اند. در همان نمایشنامه‌ای که گفتیم روشنفکر حرفای را شما میبینید اما، بجد به مردم نمیگوید

حاضر نیست خود را به خطر بیندازد توی مردم که نمیآید، از مردم جدا مینشیند از برج عاج به مسائل نگاه میکند. لذاست که مسائل داخل مردم را هم هرگز درک نمیکند. دردها، نیازها، خواستها، اعتراضها، برای او قابل لمس نیست اگر چه به شکلی قابل فهم است گاهی توی مردم نمیآید، اما گاهی هم روشنفکر میبیند نمیشود داخل مردم نیامد، میآید و در آن روز بهترین روشنفکران و متعهدترینشان آن کسی است که سخنش را با عملش همراه کند. اگر به میان مردم آمد روشنگری را درکنار عمل درکنار کاری که مردم میکنند و آنچه او منتظر بوده است که بر روشنگری او مترتب بشود همراه کند. این متعهدترین روشنفکران است. روشنفکر خط پذیر، روشنفکر دلسوز، روشنفکری که ناز روشنگری خود را بردوش مردمی که از او بهره برده‌اند نگذارد. بر آنها منتی نداشته باشد که به آنها آموخته و به آنها گفته است زیرا که مردم همه به او چیزها میآموزند. به دوستان قدیمی مرحوم آل احمد در شب چهلیم در گذشت از درد، به برادرمان شریعتی عزیزگفتم: به این مجلس نگاه کنید، ببینید شما خودتان را هرگز در چنین مجلس دیده بودید؟ شمای روشنفکر تا حالا توی کلوب بودید، یا توی باشگاه بودید، یا توی دفتر کارتان بودید و قلم می زدید یا توی کافه بودید. حالا روی زمین روی فرش چهار زانو دید اینطرف شما یک دانشجو طرف دیگرتان یک کاسب طرف دیگر یک آخوند، طرف دیگر یک اداری، خودتان را در قلب مردم مییابید از همه آنچه که شما تا حالا از اودم میزدید مستوره‌ای در اینجا هست شما راجع به کارگر حرف زده بودید اما کارگر را ندیده بودید کارگر

توی این مجلس هست ، شما از خرده بورژوا سخن گفته بودید ، خرده بورژوا را درست ندیده بودید ، لمس نکرده بودید ، او اینجا نشسته است . شما راجع به آخوند جماعت حرف زده بودید قضاوت کرده بودید اما او را هرگز ندیده بودید ، او پهلوی شما زانو زده چهار زانو نشسته است . اینجا ست پایگاه روشنفکری ، به آن برادران گفتم : که دکتر شریعتی علت اینکه این هیجان را در میان مردم توانست بوجود بیاورد اینست که زادگاهش و پایگاهش اینجا بود . به این دلیل بود که در مرگ او مردم زار زدند و به این دلیل بود که در بودن او بزرگترین کانون هیجان و روشنگری بر محور او ، بر گرد او بوجود آمد . روشنفکر باید توی مردم باشد . پایگاه روشنفکری توده مردمند . خود آل احمد هم یک روشنفکر مردمی بود . او هم وقتی که به مشهد آمد بجای اینکه در محافل روشنفکری بنشیند قهوه گرمی بخورد و گپ گرمی بزند رفت توی کوچه و بازار ، رفت میان مردم رفت توی قبرستان رفت توی صحن رفت توی مدرسه ها ، همه جا را گشت همه جا را سر زد ، بدوستان قدیمی اش گفتم : شما همین کار را در مشهد بکنید ، شما هم از مردم خبری بگیرید زیرا که همانطور که مردم به شما نیاز مندند ، شما هم به مردم نیاز مندید . این روشنفکر .

روشنفکران ما در طول سالهای ممتدی از این رسالت جدا افتادند ، نوشتند اما از درد ، قلم زدند . اما با ناز ، از مردم سخن گفتند اما حتی در مواردی در جبهه ضد مردم اگر مصرعی از شعرشان در جهت مردم بود قصیده ای برای قاتل مردم و ظالم مردم سرودند ، در خطا و حرکت کردند اگر نه به صراحت یقیناً " به تلویح . دانشجو

گوشه ای از قشر عظیم روشنفکر است . اما حکم دانشجو هم ردیف روشنفکران دیگر حکم واحدی نبوده است .

دانشجو از روشنفکران بود اما در موضع مردمی . محیط دانشگاه این معجزه را انجام میداد اما همین دانشجو وقتی از دانشگاه میرفت بیرون تبدیل به یک روشنفکر میشد که میتوانست در خدمت مردم باشد که او بسیار کم بود . و او میتوانست در جهت غیر مردم باشد محیط دانشگاه این معجزه را میکرد که دانشجو را همواره یک روشنفکر مردمی قرار میداد و نگه میداشت و به همین دلیل است که ما برای این محیط ارزش و احترام و قد است قائلیم . دانشجو روشنگری میکرد برای مردم هم میکرد ، در میان مردم هم زندگی میکرد . این روشنگریها ، در کنار روشنگریهای دیگر مردم ، دیگر قشرهای روشنفکر متعهد کار خودش را کرد ، هیچکس نمیتواند در پیروزی این انقلاب منکر نقش روشنگری ها باشد . منکر نقش روشنفکران حرفه ای باشد . منکر نقش روشنفکران متعهد باشد . اینها خیلی کار کردند ، از گوشه و کنار کمک کردند ، دست به دست هم دادند مردم را در آن خطی که شایسته و بایسته آنها بود به حرکت در آوردند و مردم به حرکت در آمدند . هنگامی که مردم به حرکت در آمدند وقتی که این معجزه مسیحایی اثر خود را کرد مرده قرنهای بد رستی و به تمامی بیدار شد و جنبش انقلابی اسلامی تا زوایای خانه ها و تا اعماق جامعه ما دامن گسترده آنوقت روشنفکران باز ، و روشنفکران دانشجو باز نقش شایسته خود را پیدا کردند . دانشجویان ننشستند بگویند وظیفه ما روشنگری است ، ما باید به مردم بیاموزیم ، مردم بروند شعار بدهند ، مردم تظاهرات کنند ،

مردم کشته بشوند، ما بنشینیم به آنها یاد بدهیم دانشجو به حق این کار را نکرد رفت میان مردم، آنجا دیگر مردم احتیاج به نقش روشنگران دانشجو نداشتند. آنجا به تن دانشجو به بازوی دانشجو به حضور دانشجو در اجتماعاتشان احتیاج داشتند و دانشجویان نیاز را تأمین کرد. این را بمردم داد. بعضی از روشنفکران ما این کار را نکردند. در گرما گرم مبارزات خونین مردم قلم زدند و فقط قلم زدند و حتی گاهی شرم نکردند عمل دانشجویان را و عمل مردم را مشت به سندان کوبیدن معرفی کردند. در روزنامه‌های اوایل دوران بختیار از همین دانشجویها بودند فراموش نمیکنم در هفته همبستگی دانشگاهها یکی از همین روشنفکران ریش و سبیلدار نام و نشان دار نطقی کرده بودند و آن نطق را در روزنامه‌ها با آب و تاب منتشر کرده بود که چرا مردم اینقدر کشته میدهند، گویا گله مند بود از اینکه مردم فداکاری بکنند و گله مند بود از اینکه روشنگری روشنفکران متعهد کار خودش را انجام داده باشد و اثر خودش را گذاشته باشد. دانشجو اینجوری فکر نکرد و اینجوری عمل نکرد دانشجو آمد وسط مردم. تا دیروز مردم به اندیشه او و به روشنگری او احتیاج داشتند آن را به آنها داد آن روزی که مردم به حضور جسمی او احتیاج داشتند باز هم آن را به مردم ارزانی داشت اجتماعات ما آمیخته‌ای بود از قشرهای مختلف و از جمله دانشجو و خون دانشجویان همان طوری که آن هفته گفتم با خون قشرهای دیگر در آسفالت خیابانها و در سنگفرش کوچه‌ها به هم آمیخت مبارزه به پیروزی رسید. امروز دانشجومی خواهد بداند از این دونقش کدام را دارد کدام یک از

آن دو وظیفه تاریخی که در طول زمان به عهده او محول بود امروز باز به عهده او محول است؟ وظیفه ۲ سال قبل که مردم احتیاج به زبان او و اندیشه او و به تشخیص او داشتند یا وظیفه ده ماه قبل و یکسال قبل که مردم به حضور او در اجتماعات نیازمند بودند کدام یک از این دو وظیفه را دانشجو دارد. اینرا مطالعه کنیم بررسی کنیم، ببینیم دانشجو امروز چکار باید بکند، اگر در اجتماعان همانند ده ماه قبل هیچ‌ابهامی وجود ندارد لزومی ندارد شما بکار روشنگری پردازید اگر احساس می‌کنید همه جا روشن است لزومی ندارد که شما چراغتان را روشن کنید، کار دیگر بکنید. اما آیا اینطور است؟ این جاست که میرسیم به تشریح وضع زمان و اینجاست که بر میگردیم به سخن پیامبر خدا که العالم بزمانه لاتحجب علیه اللوابس آنکس که زمان خود را بشناسد مورد هجوم شیخون زنان قرار نمیگیرد باید زمانمان را بشناسیم. و ببینیم آیا قشرهای مردم آنچنانکه شایسته است زمان را میشناسند یا نه؟ و اگر نمی‌شناسند نقش دانشجو باز نقش روشنگری متعهد و مسئولست. آنجا باید روشنگری کند جریان‌های زمان ما در داخل ایران و در خارج ایران جریان‌هایی استثنائی است زیرا که جنبش ما و انقلاب ما انقلابی استثنائی بود، استثنائی بود بخاطر اینکه متکی به ایدئولوژی اسلامی بود و چنین چیزی سابقه نداشت. استثنائی بود بخاطر آنکه به هیچیک از ابر قدرتها و به هیچیک از سلطه‌های سیاسی عالم متکی نبود. استثنائی بود زیرا آن که این جنبش را براه انداخت یک حزب نبود یک تشکیلات نبود، انگیزه‌ها و خواستها در یک رهبر

متجلی شد و او بی وساطت یک حزب و یک تشکیلات به مردم فرمان داد، و به آنها آموخت، با آنها همصدا شد، خواسته‌های آنها را دانست و پیشگام آنها حرکت کرد و استثنایی بود و استثنایی بود و استثنایی بود چون استثنایی بود دشمنانش هم استثنایی هستند. دشمنی هایی هم که انجام میگیرد استثنایی است. در تمام دنیا یک قدرت بزرگ وجود ندارد که از پیروزی این جنبش احساس سودمندی کند. بقیه جنبشها اینطور نبوده. از سالهای ۴۷ - ۱۹۴۶ تا امروز در این چهل ساله‌ای که دهه‌های جنبشها و انقلاب ها و پیروزی ها بوده شما نگاه کنید. هندوستان اینطور نبود، الجزایر اینطور نبود کوبا اینطور نبود، روسیه اینطور نبود هیچ کجا اینطور نبود که جنبشی تحقق پیدا کند که تمام ابر قدرتها از او احساس خطر کنند. احساس زیادمندی کنند و جنبش ما اینطور. من اگر می خواستم این مساله را تحلیل بکنم خیلی روشن میتوانستم بگویم که چگونه دو ابر قدرت از حضور یک دولت اسلامی و یک نظام اسلامی رنج میبرند و چگونه قدرت های اروپای غربی این را یک خطر بالقوه تلقی میکنند و چگونه رژیمهای مرتجع منطقه از وجود نظام اسلامی و حکومت اسلامی در جامعه ایرانی به خود میلرزند اینها چیزهایی است که کما بیش همه مردم روشنفکر ما به آن رسیده‌اند اما بد نیست شمارا متوجه کنم به یک نکته‌ای که اول باز در چند سال قبل این نکته را در نوشته یک یهودی در کتاب، فکر میکنم " فلسطین " یهودی ماکسیم رودنسن است، یهودی ضد صهیونیست معروف، در کتاب او این نکته را خواندم، دیشب برادرمان ابوجهاد در دیداری که با برادران شورای

مرکزی حزب جمهوری اسلامی داشت بر روی این نکته قویا " تکیه می کرد و تاکید میکرد. دیدم که مسائل انقلاب ما را آنها که در بیرون هستند گویا بر جسته تر و روشن تر از مردم ما احساس می کنند. او می گفت و این برادرمان هم میگفت که اسرائیل وقتی احساس کرد که در حلقه محاصره اعراب قرار دارد و امریکا احساس کرد که این عزیز دردانه خود را وسط چه دریای خطری قرار داده و در محاصره است فهمیدند که بایستی یک خط محاصره بزرگتری بر گرد محاصر کنندگان بوجود بیاورند. کشورهای محاصره کننده اسرائیل در یک خط عظیم تری بوسیله دولتها و حکومتهای مرتجع محاصره شدند، خطی که یک حلقه‌اش ایران بود، یک حلقه‌اش ترکیه بود، یک حلقه‌اش اتیوپی بود و به همین ترتیب یک حلقه‌اش عربستان سعودی بود، عربهای مورد تعرض اسرائیل، انقلابیون عرب یعنی مصر آنروز و مصر عبدالناصر و سوریه واردن و غیره در حلقه محاصره‌ای قرار گرفتند که کلا " وابسته به امپریالیزم امریکا و همدستان و غارتگران دیگر بود و بخاطر وجود همین حلقه بزرگتر بود، این دایره بزرگتر بود که اسرائیل می توانست تنفس کند، می توانست تعرض کند، که اسرائیل مثل یک لقمه عربها نمی شد، که فلسطینی ها با همه سلحشوریشان، با همه فداکاریشان نمی توانستند کار بزرگی انجام دهند، بخاطر وجود این حلقه بزرگ تر بود، نفتش تا مین می شد، اجناسش فروش میرفت، از لحاظ سیاسی موقعیت ممتازی داشت و غیره و غیره بنظر این برادر فلسطینی مستحکمترین حلقه‌ای دایره بزرگ حکومت پهلوی در ایران بود. و این حلقه شکست، این حلقه که شکست آن دایره بزرگ بخودی خود

منفصل شد ، درست حلقه دیگری بوجود آمدلحلقهای میان ایران انقلابی و فلسطین انقلابی و سوریه‌ای که می‌خواهد انقلابی عمل کند و مصری که باید انقلابی شود و اردنی که باید انقلابی بشود و اینها همه متکی بودند به نیروی عظیم ایران ، دارای موقعیت استراتژیکی ممتاز و مخصوص بخود ، یعنی تمام سلاحها علیه فلسطین و سرزمین های اشغالی با انقلاب ایران کند ، میشوند ، یعنی تمام نقشه عظیمی که امریکا چهل سالست که دارد با قدرت و قوت تعقیب میکند خنثی میشود ، فکر میکنید انقلاب ایران با این خصوصیات با این رفح با این عظمت با این اهمیت مورد چگونه هجومهایی باید قرار بگیرد . و این تازه یک مثال بود ، این یک نمونه بود از خصوصیات که توطئه ها علیه ایران دارند . انقلاب ما مثل یک موجی بسوی کشتی با عظمت و غول پیکر دشمنان براه افتاده بود با قدرت هرچه تمامتر جلو می آمد ، اگر این کشتی در مقابل این موج مقاومت میکرد یقیناً " خرد میشد ، یقیناً " نابود میشد . آن مقدار از این کشتی که سینه به سینه این موج شد خرد شد و نابود شد . و آن نظام پادشاهی و حکومت پادشاهی در ایران بود . اما دشمنان سعی کردند خود را در گوشه‌های پنهان کنند تا این طوفان بگذرد و بعد از آنی که شور و هیجان انقلابی در توده‌های مردم از آن غلیان افتاد . تدریجاً " آرام آرام کمر راست کنند و قد علم کنند و امروز همان روز است . امروز روزیست که دشمنان ما با استفاده از کاهش جوش احساسات انقلابی در توده‌های مردم دارند ضربات خودشانرا یکی پس از دیگری بر ما وارد میکنند . این ضربات را با نامهای گوناگون وارد میکنند . این ضربات را از جبهه

های گوناگون بر ما وارد میکنند . ما باید ملتمان را ضد ضربه کنیم ما باید ملتمانرا در مقابل این حملات که بسیاری از آنها تبلیغاتی است واکسینه کنیم ما باید ذهن مردم را نسبت به این توطئه ها بیدار و روشن کنیم . امروز ضد انقلاب در چهره‌های گوناگون دارد خودش را نشان میدهد بنده بیشتر روی ضد انقلاب خارجی تکیه میکنم . بنده میدانم که در داخل ایران گروههای مرتجع و گروههای چپ نما ضد انقلابند ، بنده میدانم بسیاری از حربه‌هایی که علیه انقلاب ما و مردم انقلابی ما مسلح شد . و برافراشته شد از سوی همین گروههای منحرف بود . چپها و راستهای افراطی ، اما میخواهم بگویم اینها همه جریانهای باریکی بودند و هستند در این سیل خروشان جامعه ما . اینها نمیتوانستند بخودی خود کار کنند ، نمی توانستند عرض وجود کنند ، این دشمن خارجی ما بود که اینها را جان داد ، دشمن خارجی لازم نیست سرباز پیاده کند در بنادر ایران ، لازم نیست ناوگانهای جنگی اش در بندرعباس و یادر دریای عمان لنگر بیندازد دشمن خارجی اندیشه ناپاک خود را بوسیله ناپاک ترین عناصر و مزدورانش در داخل اعمال میکند ، دشمن خارجی گلوگاه انقلاب یعنی مرکز تبلیغات او را در دست میگیرد . وضع تبلیغاتی ما در این مملکت چگونه است و چگونه بود و هنوز چگونه است ، دشمن خارجی بزرگ ترین دشمنان ماست . آنچه بطور خلاصه در مورد شناخت وضع زمان که شما باید روی آن تعقیب کنید . کار کنید ، ببیند بشید و این بعد های مختلف توطئه‌های دشمن را با ظرافتهایش ، با ریزه کاریهایش بدون اینکه دچار اشتباه بشوید پیدا کنید و به مردم بگوئید ، آنچه

بطور خلاصه در این مورد من میخواهم بگویم اینست که انقلاب ما با صفت اسلامی بودن، یعنی بدنبال نظام اسلامی حرکت کردن، دشمنان زیادی دارد. این توضیح را همینجا بشما بدهم که همواره کوشش دارم این توضیح را بدهم، انقلاب ما اسلامی است یعنی دنبال یک نظام اسلامی است، اسلام در اینجا بمعنی یک نظام است نه به معنای یک عقیده و یک فلسفه. ما به هیچ وجه کسی را مجبور نمیکنیم و اسلام مجبور نمیکنند که باید مرا یعنی اندیشه اسلامی را بپذیرید، میخواهید بپذیرید میخواهید نپذیرید. اما نظام اسلامی را باید بپذیریم، نظامی که با خون جوانها، با همت انسانها بوجود آمده است و نظامی انسانی است و نظامی عادلانه است، آنرا باید بپذیریم و در سایه نظام اسلامی، گذشته دور، در آغاز اسلام، ملیتهای غیر مسلمان به راحتی و با عدالتجویی و عدالت بینی زندگی میکردند و امروز هم باید چنان باشیم، ایدئولوژی اسلام یک نظام اسلامی را در این مملکت جستجو میکند و انقلاب اسلامی بر مبنای دنبال گیری از نظام اسلامی است. و این دشمنان زیادی دارد، زیرا که در نظام اسلامی غارتگران قطع ید میشوند، زیرا که در نظام اسلامی استبداد ریشه کن میشود. زیرا که در نظام اسلامی طبقه بندی و گروه بندی در جامعه از بین میرود و همه کسانی که مایل به استبدادند و همه کسانی که مایل به سلطه جویی اند و همه کسانی که مایل به غارتگری اند. با نظام اسلامی مخالفند. بنابراین دشمنان نظام اسلامی دشمنانی هستند که از بن و بنیاد با این نظام مخالفند و علیه آن جنگیدند و باز هم دارند میجنگند. ماجرای کردستان از این قبیل است. ماجرای خوزستان

از این قبیل است همه ماجراهایی که بوجود خواهد آمد تحت هر نامی از این قبیل است. زیر نام دموکراسی، زیر نام سوسیالیسم، زیر نام مارکسیسم، زیر هر نام دیگر مبارزه با نظام اسلامی است. و از طرف دیگر دشمنان این نظام است. آیا اینرا مردم میدانند؟ مطمئن باشید که مردم اینرا نمی دانند. به دقایق و ریزه کاریهایش از آن خبر ندارند و مردم را باید روشن کنیم. امروز این شخصیت امام است که رمز همه وحدتها و همه پیوستگی ها و همبستگی هاست. این حضور امام است این توصیه امام است و ما لازم است که جنبشمانرا بیش از این عمق بدهیم. ما لازم است در مردم خود کفائی ذهنی و فکری بوجود بیاوریم مردم را آگاه کنیید از توطئه ها، ب مردم بگوئید که آنچه زیر نام مارکسیسم امروز در این مملکت دارد خرابکاری میکند سرانگشتی از دست پلید استعمار جهانی امریکا و اشتباه آمریکا است. به مردم تفهیم کنید که آنچه امروز مورد دشمنی است اسلامی است که باید نظام آینده ایران بر مبنای آن چیده شود. و آن کسی که ایران را میخواهد و آن کسی که انسان را میخواهد و آن کسی که به روزی و بهزیستی مردم این سرزمین را میخواهد باید دنبال نظام اسلامی برود و همه کسانی که فرمولهایشان تخطئه میشود امیدهایشان قطع میشود و طمعهایشان راهی برای پیشرفت و پیروزی پیدا نمیکند. با این نظام مخالفند و با این انقلاب مخالفند و بر علیه آن پول خرج میکنند، قلم میزنند تلاش میکنند و گروههای ساده دل و ساده لوح و احمانا " مخلصیم" آلت دست آنها قرار می گیرند روشنفکر و در پیشاپیش گروه ها و قشرهای روشنفکری، دانشجویان امروز این رسالت را

بعهدده دارند. من از شما برادران و خواهران خواهش می -
کنم روی مسائل جاری ایران مخصوصاً " در ارتباط با مسائل جاری
جهان خیلی مطالعه کنید. ما باید مانع بشویم از اینکه بحران
تبلیغاتی غلط بوجودد بیاید ما باید مانع بشویم از اینکه مردم بد
بفهمند و کج بفهمند. ما باید نگذاریم که مردم دشمنان واقعی
خودشان را نشناسند. باید خط درست را به مردم نشان بدهیم.
امروز هر کسی که بنام اسلام و بنام انقلاب اسلامی سخن بگوید و
حرف بزند باید منتظر باشد که علیه او توطئه چیده شود. هرکسی
که در این راه بیشتر و بهتر عمل کند باید منتظر باشد فوراً یک
رنگی به او بزنند، از آنگونه که فراوان زده اند و میدانید و میزنند
و هرگروهی و هر جمعی و هر تیبی و هر قشری باید منتظر باشند این
گناه آنهانیست، این تقصیر اسلام و انقلاب اسلامی است. باید
بداند آن کسی که در خط امام و رهبر این امت است، که تبلور خواستها
و نیازهای اصیل این امت است باید بداند که او مورد هجوم است.
او مورد تهاجم قرار میگیرد. چون هر کس با انقلاب اسلامی مخالف
است با امام این انقلاب هم مخالف است. و هر کس از این انقلاب
دلخور است از امام هم عمیقاً " دلخور است. آنهاکه میکوشند امام
را به نحوی تضعیف کنند، آنهائی که سعی میکنند بین این امت و
امامش فاصله بیندازند یا دانسته یا ندانسته، در این خطاند ما باید
اینها را به مردم بگوئیم و این نقش روشنفکر است. از خدای متعال
درخواست میکنیم خاضعانه و خواستاریم به معنای واقعی کلمه با همه
دل و با همه وجود که ما و شما را در این راه موفق کند.

والسلام علیکه ورحمهالله و برکاته

سوالها و جوابها

س - امام در سخنرانی معروفشان فرموده اند ما روابط با امریکا
را می خواهیم چه کنیم رابطه ما با آمریکا رابطه یک مظلوم است با
ظالم، غارت شده است با غارتگر آیا این جمله از روی احساس گفته
شده یا از اصول مکتبی و خطوط فکری امام. آیا دولت، گروههای
حاکم و شما در ارتش و شورای انقلاب چنین عمل می کنید؟ گامهای
محسوس در این راه را بر شمارید.

ج - آنچه که مورد نظر است این است که در مورد قرار داده
و روابط خلافی که به زیان ملت ایران باشد انجام نگیرد و قطعاً
انجام نخواهد گرفت. این در مورد قرار دادها.

قطعه یدکی را شما لازم دارید باید بخرید، اگر ایتالیا دارد
بروید از او بخرید، خوب بروید بخرید. اما اگر ندارد ناچارید
بخرید. این وابستگی را ایجاد کردند منتها شما جوان این مملکت
هستید. ما کارخانه هلی کوپترسازی میتوانیم داشته باشیم ظرفیت
سازمان صنایع دفاع ملی ما بیش از نیاز امروز ایران است، درس
بخوانید زبده بشوید، آگاه بشوید، بروید درست کنید، این ما
هستیم که باید بسازیم تا خودکفا باشیم این ما هستیم که باید تحمل
کنیم. مادامیکه به خود کفائی نرسیم وابستگی هست، چه بخواهیم

چه نخواهیم و البته نمیخواهیم اما هست . نوشته‌اند گامهای محسوس در این راه را بر شمارید . من نمی دانم منظور از گامهای محسوس چیست ؟ بسیاری از قرار دادهای لغو شده است لزومی ندارد که بنده یکی یکی بگویم قرار داد شماره فلان مربوط به فلان چیز اما لغو شده است . خیلی هایش لغو شده است . بسیاری هم متوقف مانده که البته باید رسیدگی بشود و فسخ شود بسیاری را هم مجبوریم نگه داریم ، ناگزیریم و این یک واقعیت است .

س- آیا توطئه کردستان در این رابطه نبود که امریکا میخواهد بما اسلحه خودش را تحمیل کند و ضمنی بگوید که نمیتوانید وسائل یدکی و نظامی نخرید ، و گویا همینطور عمل شده است و قرار داد این برای وسایل یدکی بسته شده است ؟

ج- این یک برداشت نادرست است ، توطئه کردستان برای این نبود ، توطئه کردستان برای این بود و برای این هست و خواهد بود که این دغدغهها از ذهن دولت ، علیه امریکا و امثال او بکلی خارج بشود ، یعنی حکومت اسلامی سقوط کند که دیگر محتاج این حرفها نبود . جنابعالی می پرسید :

توطئه کردستان برای اینست که ما چهار تا هلی کوپترمان ، آنجا بچرخد و قطعات یدکی بخواهد ، بنده میگویم ، توطئه کردستان برای اینست که این حکومتی که میخواهد قطعه یدکی هلی کوپتر و امثال آنرا نخرد ، تا آنجایی که میتواند ، این ساقط بشود و همان حکومتی سرکار بیاید که قرار دادهای معروف FMS آن ، که ایران پول می داد و نمیدانست برای چی دارد میدهد ، و فروشنده ها صورت می- دادند ، بر قرار بماند . یک صندوق مخصوص است ، که پول به حساب

آن صندوق واریز میشود و آخر سال کمپانی مربوطه ، صورت میداد که این مقدار که این مقدار از پول ها را ما صرف کردیم برای این منظور ها ، چه میخریم ؟ کی میخریم ؟ چرا میخریم ؟ چقدر میخریم ؟ مطرح نبود . حکومت قبلی اینطوری بود و میخواهند این حکومت را ساقط کنند تا آنطوری بشود . (مثال قبل) . چرا ذهنتون را کوچم می کنید ؟ محدود میکنید ؟ توطئه کردستان ، توطئه خوزستان ، توطئه هر جای دیگری که در مملکت ممکن است بوجود بیاید ، و خواهد آمد ، برای اینست که فرصت این را پیدا نکنیم که بوضع سیاسی خودمان ببندیشیم توطئه فلان کارخانه ، توطئه فلان موسسه ، توطئه فلان اداره ، توطئه فلان دانشگاه همماش برای اینست که بحران سیاسی بوجود بیاید ، تا ایران خیلی دوم بشود ، تا ایران حکومت انقلابی ، نتواند داشته باشد تا ایران جمهوری اسلامی نتواند داشته باشد ، فراموش نکنید ، که در تاریخ ما انقلاب فرانسه را داریم . یعنی بعد از انقلاب چهل سال ، پنجاه سال ، باز حکومت پادشاهی ، یادتان نرود ، انقلاب در سال ۱۸۷۹ آمد ، به گمانم انقلاب معروف فرانسه ، در ۱۷۹۳ به اوجش رسید و چند سال مردم در یک بحران انقلابی ، حرکت کردند ، البته آنروز با امروز از لحاظ رشد عمومی ، زمین تا آسمان فرق داشته است اما یادتان نرود ، که شکل کار ، شکل کار مائوسی است .

بعد که ناپلئون روی کار آمد ، چیزی که نه سلطنت بود ، نه یک حکومت آزاد ، استبداد داشت اما وابستگی وضع را ندارد . و بعد عکس العمل در مقابل استبداد ناپلئونی و روی کار آمدن لوئی هیجدهم و . . . و . . . و ادامه حکومت سلطنتی ، باز از

همان خانواده تا چهل سال پنجاه سال بعد از آن، بلکه این کارها در دنیا میشود، فراموش نکنید که با رهبر اندونزی چه کردند! فراموش نکنید که با شیلی چه کردند! با یک انقلاب، از این کارها میتوانند بکنند و این است مقصود آنان، نه فروختن قطعات یدکی، امروز ما مجبوریم که از این نانوائی، تا نانوائی نداریم، نان بخریم، گرسنه‌ایم، جناب عالی جنابعالی نانت را بخر، اجازه بده نان بخرند، و این را مستمسک قرار نده، اما نانوائی بساز. تخصص شاطری بیاموز، تا بتوانی خودت بیزی، شکمت را پر کنی. ما خواستیم امسال گندم نخریم، امام دستور دادند گندم بکارید، کاشتند، خوب هم سبز شد. آسمان و ابرو باران هم بما کمک کرد، بچه‌ها هم درو کردند، البته آنجا‌ها که اخلال گرها گذاشتند درو بشود!! بعد که خرمن شد، خرمن‌ها را با یک کبریت یک ریالی، آتش زدند!! مسئله اینست. زیر پوشش و لوایی، غیر از آنچه که واقعا بود، افرادی را متهم کردند و آنها اینقدر نفهمیدند که باید این تهمت را از خودشان، رفع کنند، زیر نام دموکراسی، زیر نام مارکسیسم، زیر نام سوسیالیسم، این غلطها را کردند. آن کسانی که واقعا معتقد به دموکراسی‌اند، و معتقدند به مارکسیسم و دموکراتند و مارکسیستند و عضو فلان حزبند، رسماً این کار را تخطئه کنند، لااقل محکوم کنند، حتی این را هم نکردند! خوب من چه کار کنم؟ اما دشمن برای ما روشن است که کیست؟

س - از شما بعنوان یک فرد، در مقام تصمیم‌گیری و اجرائی

و یک ایدئولوگ مذهبی می‌پرسم، امپریالیزم از دیدگاه مکتب ما چیست؟ بر طبق این تعریف، آیا کشورهای کمونیستی بزرگ، در این رده‌اند؟ آیا شعارهایی که بطور وسیع در جامعه شنیده میشود (مرگ بر کمونیست) نمیخواهند دشمن اصلی و بزرگ ما را، کمونیستها قلمداد کنند. راستی آیا فکر نمی‌کنید که امریکا در تدارک توطئه بزرگی است که مسلمانان را با کمونیستها "بعنوان ضد خدا" درگیر کند و خودش بعنوان یک کشور مذهبی، حامی مسلمانان شود؟

ج - بنده امپریالیزم را برای شما معنی میکنم. امپریالیزم یعنی امپراطوری قدرت سیاسی و چه قدرت اقتصادی. امپراطوری‌گرایی، زیررنامی و باهر پوششی. سؤال اینست که آیا کشورهای کمونیست بزرگ در این رده‌اند؟ جواب اینست که بلی، در این رده‌اند، چرا نباشد!! شما چه تفاوت اصولی می‌بینید؟ میان خط سلطه جویانه روسیه و امریکا؟ آنها بمن بگویید! صرف اینکه این ایدئولوژی اینست، آن ایدئولوژی اینست کافی است؟ در حالیکه روشهایشان در مقابل کشورهای زیر سلطه‌شان یک طور است. بنده بداخل هیچ مملکتی کار ندارم، چرچیل دشمن شماره یک کشورهای خاور میانه، برای مملکت خودش یک فرد ایده‌آل بود، باور نمی‌کنید؟ چرچیل برای مملکت خودش یک قهرمان بود، ببینیم برای من و شما چی بود؟ رهبران کشورهای امریکا برای مردم خودشان خوبند، رهبران کشورهای دارای ایدئولوژی مارکسیستی، از جمله روسیه و چین هم، برای مردم خودشان خوبند، تو ببین برای من و تو چگونه‌اند؟ مگر همین رهبران نبودند که با شاه مخلوع ما جام محبتشان را بهم

زدند ، در روزی که بچه‌های ما در خیابانها جان میدادند !! برای ما یکسانند ، برای ما هیچ فرقی بین اینها نیست ، ما مصر را آزمایش کردیم که زیر بار سنگین تحمیل انگلیس ها بود ، بعد از آنجا خارج شد ، خواست مستقل باشد ، چشمکی به شرق زد ، روسها جلو آمدند ، سد اسوان را برایش ساختند ، مسلحش کردند ، از آن حمایت کردند و من فراموش نمیکنم و صدای عبدالناصر هنوز توی گوش من است . در نطقهای رادیوئی بسیار قوی‌اش ، که مرتب پای رادیو نشسته بودیم و با اشتیاق گوش میکردیم که از روسیه بعنوان یک کشور حامی ، یک کشور نجات بخش یاد میکرد ، خودش را ممنون روسیه وانمود می کرد ، زمان خروشیچف و قبل و بعد ، اظهار امتنان فراوانی همیشه از آنها داشت ، در همه نطقهای رادیو تلویزیونی خود ، که بما میرسید ، بدون استثناء این تعریف و تمجید وجود داشت ، بعد فهمیدید چه شد ؟ باز برگردید کتاب " جنگ رمضان " را بخوانید که مال حسنین هیکل ، یار دیرین عبدالناصر بود ، و ببینید که روسها چه میکردند با این وابستگیها ؟ و ببینید چگونه در خفا با هم می ساختند ؟ تا مصر را وسینا را و سوریه را و فلسطین را نابود کنند . و ببینید که چگونه ابر مردان و ابر قدرتها در جای دیگر در داخل یک آخور است . براحتی با هم معامله میکنند . براحتی در این معامله ، مصر و ایران و سوریه و کوبا و غیرو و ذلک ، ردو بدل میشود ، برای ما هیچ فرق نمیکند ، بله ، روسیه جزو ابر قدرتهاست ، جزو امپریالیستهاست ، او هم با ما روبروست . دنباله سوال اینست : چرا میگویند " مرگ بر کمونیست " ؟ نفهمیدم ، مگر کمونیسم یعنی روسیه ؟ مگر

روسیه یعنی کمونیسم ؟ ! چه ارتباطی اینها با همدیگر دارند ؟ اگر ما با ابر قدرتها بدیم ، معنایش اینست که با آنها بعنوان یک سلطه جو ، بعنوان یک نظام ، بعنوان یک قدرتی که میخواهد بر ما تحمیل بشود ، و تحمیل بکند ، مخالفیم . این ارتباط به ایدئولوژی ندارد . مگر در دنیا کمونیستها نیستند که با روسیه بدند ؟ مگر کمونیستهایی نیستند که با چین بدند ؟ مگر یهودیهایی مثل مارکسیسم رودنسون نیستند که با صهیونیسم بدند ؟ پس جنابعالی بگو چرا میگویند مرگ بر اسرائیل ؟ ! بگو چرا ایستادید و مخالفت می کنید ؟ چون یهودی است . او هم یهودی است ، کمونیزم یک اندیشه است ، یک ایدئولوژی است ، این ایدئولوژی را یک انسانی می اندیشد ، نمی پسندد ، رد می کند . این ارتباط به وادی سیاست جهانی و بین المللی اش ندارد . ما کمونیزم را نه بعنوان یک تعصب و عناد ، بعنوان یک اندیشه روشن نمی پسندیم و رد میکنیم . ما فلسفه مارکسیسم را یک فلسفه علمی نمیدانیم . ما اقتصاد مارکسیسم را یک اقتصاد عملی موفق نمیدانیم نمیشود بر ما تحمیل کرد که چرا نمیدانیم ، نمیدانیم . یک نفر هم ممکن است که اینها را طبق ما فکر نکند . او میتواند با مادر نظام اسلامی ، با جهت گیری اسلامی ، با اندیشه سیاسی و دیپلماسی و اقتصادی اسلامی ، یعنی عمل سیاسی و اقتصادی اسلامی ، در جامعه ما تحمل کند و داشته باشد ، زندگی کند ، و او همانوقت ، باید بگوید که مرگ بر دشمنان ابر قدرت ، و او هم ابر قدرتها را امریکا و شوروی بداند ، با هم منافاتی ندارد . دنباله سوال : آیا توطئهای نیست که دشمنان اصلی ما را کمونیزم معرفی کنند ؟

ج - اینست که ممکن است چنین توطئه‌ای باشد ، چه چیزی باید این توطئه را خنثی کند ؟ دونفر ، یکی آنکه اسلامی می‌اندیشد و مایل است که دشمن را بشناسد و تشخیص می‌دهد که این دشمن امروز سلطه جویند ، از امریکا و غیر امریکا ، یکی هم آنکس که معتقد به مارکسیسم است . او هم باید در خنثی کردن این توطئه بکوشد ، و چرا نمی - کوشد ؟ ! حرف من اینست . ما اگر در طول زمان ، هیچکس را وادار نکردیم و خشنود نشدیم از اینکه در خیابانها راه بیفتند و شعارهایی بدهند که دشمن اصلی را پوشیده و پنهان بدارد ، اما همواره این توقع را از آن کسانی که ادعای روشنفکری و آزاد فکر می‌کنند ، داشتیم ادعای ایمان به ایدئولوژی‌شان میکنند ، این انتظار را از آنها داشتیم که آنها هم مثل ما کوشش کنند اقلاً " بگویند ب مردم که این کسانی که بنام مارکسیسم و بنام کمونیسم و بنام اشتراکیت دارند ، این مملکت را به آتش می‌کشند ، اینها دروغ می‌گویند ، این را اقلاً " بگویند . در ترکمن صحرا ، در کردستان در بلوچستان ، کسانی بنام مارکسیسم ، انقلاب ما را ، دارند نابود میکنند . مارکسیستهای مومن ، اعلام کنید و بگوئید اینها مارکسیست نیستند ، دروغ میگویند ، بگوئید ، ما داریم این را میگوئیم . خوب این توطئه را فقط ما باید خنثی کنیم ؟ خوب آنها هم خنثی کنند . چرا نمی‌گویند ؟ اگر بگویند ، کسانی که بی‌خبر و غافل ، اسیر این توطئه و این دام شوند ، بخود خواهند آمد . این پیام ما است به همه مارکسیستهای مومن ، کوشش کنند توطئه را ، آنها هم خنثی کنند . کوشش کنند که بفهمانند که آن کسانی که بنام مارکسیسم دارند در این مملکت اساس این انقلاب را بهم میریزند ،

و خون این هم‌انسان پاک و شریف را پایمال میکنند و آتش افروزی میکنند ، اینها مارکسیست نیستند ، این را سریع اعلام کنند .

سوال : گاهی شنیده میشود که دولت ایران هنوز بطور رسمی و گسترده ، با سازمان آزادیبخش فلسطین روابط ندارد ، آیا صحت دارد ؟ آیا ما نباید به سازمان آزادیبخش فلسطین کمکهای انسانی و نظامی بنمائیم .

ج : دولت ایران علی‌الظاهر ، با سازمان آزادیبخش فلسطین روابط دوستانه‌ای ، البته برادران ما از این سازمان ، غالباً " وقتی به ما مراجعه میکنند ، گله‌هایی دارند ، اما برادران ما در دولت همواره اظهار میکنند که خواسته‌های مشروع برادران فلسطینی را اجابت میکنند و اما آنچه عقیده شخص من است : بنده معتقدم که اگر فلسطین اشغال بماند ، ایران آزاد نشده است . عقیده من است که فقط حوزه اسلام و حفظ سرزمین اسلام بر تک تک انسانها واجب است ، عقیدم اینست که آن جوانی که در کردستان میرود ، فداکاری میکند ، جا دارد که در جنوب لبنان هم برود و فداکاری کند ، و بنده عقیدم اینست که اسلحه خانه ما همچنان که در اختیار برادران ایرانی است ، در اختیار برادران مسلمان فلسطین هم باید باشد . این اعتقاد من است . و اما اینکه آیا دولت انا این حد پیش رفته است ؟ باید عرض کنم ، نه .

سوال : سوال بسیار مهمی که در مورد ولایت فقیه مطرحست اینست که : بعد از خمینی ، کی ؟ آیا ولایت فقیه را باید در جواب عرض کنم که ولایت فقیه ، متکفل این پاسخ نیست

که بگوید بعد از خمینی، کی. اگر مقداری که شکل قانونی و کاغذی آنست که خوب نوشته شود، شورای رهبری، آن کسانی که بایستی از افراد صالح، دور هم جمع بشوند و رهبری کنند. این آنست که روی کاغذ است، و هست آن که بعهد من و شماست، اینست که ما خمینی بسازیم و خمینی بشویم وزمینہ را برای رشد تفکری و اندیشهای آنچنان، آماده کنیم. ما کار کنیم، شما تصور نکنید که امام ما از روزی که از مادرش متولد شد، یک امام بود. او یک انسان بود با مسئولیت. او یک انسانی بود با ایمان، با صفا و با اخلاص و با قائم لله و قیام لله خط امام را دیدم، من که در سال ۱۳۲۳، آیا فکر ۱۸ یادم نیست درست، نوشته بودند، در کتابخانه وزیریه یزد، بعدها فتوکپی شد پارسال هم چاپ شد، من اصلش را چند سال قبل دیدم، در دفتر یادداشت مرحوم سیدعلی محمد وزیری در کتابخانه وزیریه یزد یافتم در آن تاریخهای بسیار دور، ۴۰ سال قبل امام همان حرفهایی را میزد که امروز یک فرد مسئول همواره باید بزند و خود او همیشه زده و ما هم همیشه باید بزنیم، احساس مسئولیت، البته تاکتیک ها نقشه ها، شیوه ها در طول زمان تفاوت میکند، آنچه مایه اصلی است، ایمان است تصمیم است، متزلزل نشدن است، تن به خواسته ها و انگیزه های پست و حقیر ندادن است و نماز خوب خواندن است، اینهم یکی و بسیار مهم است، زمینہ را برای اینطور شدن فراهم بکنیم، باید روحانیون خوب، فقهای بزرگ، دین شناسان بزرگ، انسانهایی که از اسلام آگاهی دارند، و نه فقط سواد عربی دارند! اینها بایستی میدان رهبری برایشان باز باشد اینها بایستی امکان

کار برایشان فراهم و از کجا که مانداشته باشیم؟ برای آینده یادر آینده. سؤال: درباره آقای بهشتی که میگویند سفیر اسلامی رژیم سابق در کشورهای اروپا بوده اند و دیگر اینکه، ایشان یک مقدار قدرت طلب به نظر میرسند. جواب: آقای بهشتی قبل از اینکه به آلمان بروند یک فردی بودند در قم، در حوزه علمیه قم که جزو افراد بسیار معدودی بشمار میرفت، ایشان که دارای این امتیازاتی بود که میگویم: از لحاظ درسهای سنتی حوزه در سطح عالی بود، جزو فضلالی معروف و مدرسین معروف حوزه بود، علاوه بر اینها دارای تحصیلات جدید بود و یکی دوزبان خارجی را خوب میدانست، امتیاز سومی که جزو افراد معدودی بود که مورد تجسس و کاهش موزیانه دستگاه بود آنوقت کمتر روحانی را شما میدیدید که دستگاه بخواهد او را اذیت کند، بهشتی را دستگاه میخواست اذیت کند، اولین مدرسه، دبیرستان اسلامی قم، بنام دبیرستان دین و دانش بوسیله ایشان تاسیس شد و خود ایشان رئیس دبیرستان شد، با اینکه یک روحانی بود، آنوقت هم این کارها از یک روحانی معمول نبود، ایشان رئیس دبیرستان شد، بعد از مدتی ایشان را از قم برداشتند و منتظر خدمت کردند. مدتی ایشان کار مند فرهنگ شده بود برای اینکه بتواند رئیس آن دبیرستان باشد. ایشان را منتظر خدمت کردند آموزش و پرورش آنوقت اسمش "فرهنگ" بود و ایشان را از قم کردند که در قم نباشد، چون دیدند وجود این مرد در قم وسیله اشاعه تفکرات نوین اسلامی است مدتی ایشان بود

بعد آقای محقق که بعنوان نماینده آیت اله بروجردی بخارج رفته بودند بایران آمدند، فکر کنم سال ۱۳۴۰ بود. روحانیون و علما و جوانهایی که در خارج بودند، دنبال کسی بودند که بتواند در آلمان در شهر هامبورگ، مسجد معروف هامبورگ را به آبادی برساند و آنجا را مجمع تبلیغات اروپا بکند، بهتر از آقای بهشتی کسی را پیدا نکردند، برایشان وسائل فراهم کردند، ایشان را فرستادند رفت، وقتی آقای بهشتی میآمدند ایران، همه دوستان ایشان و همه کسانی که فعالیت او را در خارج دیده بودند منتظر بودند بمجرد اینکه بایران بیاید، دستگاه او را دستگیر کنند، زیرا یک لحظه با آنها کنار نیامد. یک لحظه بعنوان یک روحانی آزاد فکر و روشن فکر را از خودش سلب نکرد. ایشان بایران آمدند، البته با محدودیت هائی، یکی از برادرانمان را که اسم نمی آورم از چهره های بسیار جالب که همه شما میشناسید، انقلابی و مومن در آن موقع به بنده میگفت که فلانی قطعا "برای بهشتی توطئهای چیدماند، ما این توطئه ها را فهمیدیم که چه توطئهای چیده بودند دیدند که اگر بهشتی را بگیرند، چون استخوان و عمق شخصیتش یک استخوان بسیار محکمی است و از افراد با استخوان جنبش اسلامی است، خیلی بزرگمی - شود برای اینکه بزرگ نشود او را نگرفتند اما در اطراف او انواع اتهامات را ایجاد کردند، از قبیل اینکه آقای بهشتی ضد تشیع است. وهابی است، ضد حجاب است، نفی دانم... دارای افکار بدعت آمیز است. یعنی همین افکار روشن فکرانه، و از این حرفها همان حرفهائی که راجع به دکتور شریعتی و

دیگران هم میزدند، زودتر از همه راجع به بهشتی شروع شد، این مرد را مورد حملات بسیار شدید تبلیغاتی قرار دادند کوشش کردند که رابطه او با روحانیون قطع کنند و روحانیون را نسبت به او بدبین کنند، کوشش کردند که جوانها را با او بدبین کنند آنروز در این قسمت دوم به شدت شکست خوردند و جوانها بایشان علاقمند شدند این راجع با آقای بهشتی امروز هم راجع بایشان هم خیلی حرف زده میشود و من بشما بگویم این شخصیت بخاطر ایمانش، بخاطر صفایش بخاطر اخلاصش، بخاطر سواد زیادش، سواد بالایش، بخاطر اندیشه روشنش مورد تهمت ها و حملات است. اگر آقای بهشتی میخواهد کمتر با او حمله کنند، باید یک مقدار از امتیازات خودش کم بکند و اینکه ایشان یک مقدار قدرت طلب به نظر میرسند محققا " بدانید که این اشتباه است. قدرت طلبی بمعنایی که میتوانند یک نکوهش باشد یا یک چیز بد، در این برادر مومن مانیتست.

سوال - حزب جمهوری اسلامی به کجا میرود؟

جواب - به سوی نظام جمهوری اسلامی.

سوال - انگیزه مخالفت با حزب و ایجاد جو منفی علیه آن

چیست؟

جواب - به گفتار های قبلی من چه در زمینه مباحث کلی و چه

زمینه آقای دکتور بهشتی مراجعه بفرمایید البته تصور خود ما اینست

که، ما حزب را اصیل ترین نهاد انقلابی می دانیم این را راست و

روشن به شما بگویم بنده راجع به حزب نمی خواهم حرف بزنم، مایل

نیستم برای حزب هیچوقت تبلیغ کنم در سخنرانی هایی که در گوشه

وکنار، اینطرف و آنطرف رفتیم مگر آنجایی که سوال کرده‌اند کوشش کردیم که راجع به حزب بلندگوی تبلیغاتی نگیریم، گفتیم مشک آنست که خود ببوید و آن روزی که بوی مشکش بلند شود همه به آن خواهند گروید اما این را به شما بگویم از دیدگاه ما دلیل این ضربات و حملات جز این نیست که خطش درست است. خطش صحیح است، ممکن است بدلالی تلاش متناسب با نیاز نباشد اما خط مستقیم و دقیق ترین خط موجود است.

سوال - شما در ضمن سخنانتان فرمودید که گروههای چپ و راست آلت دست بیگانانند ولی حقیقت امر اینست که این گروهها در زمان رژیم هم فعالیت داشتند آیا نظرتان اینست که فعالیت آنها در آن زمان هم آلت دست بیگانه بود.

جواب - برادر عزیز من این گروهها که دیروز علیه آن رژیم فعالیت داشته‌اند و امروز هم فعالیت دارند هیچ لزومی ندارد که بیایند پشت میز قرارداد بنشینند و با آنها قرار داد بسته شود. که آقا جتبعالی اینقدر پول بگیرد برای ما فلان کار را بکنید. این لزومی ندارد. کافی است با یک شگرد سیاستمدارانه مسیر یک حزب را وجهت‌ش را عوض بکنند، کافیت حقیقت امر را بر چندتن از سران مشتبه کنند، کافیت آنها را با وعده‌ها و نویدها دلخوش کنند.

آنکس که دیروز با رژیم دست نشانده همکاری کند، اما اگر چنانچه به بعضی از سردمداران این گروهها تفهیم بشود که شما در صورتی موفق خواهید شد که نظام مطلوب و ایده آل خودتان را سرکار بیاورید که نظام اسلامی را از بین ببرید. این را ایشان تفهیم بکنند. کی

بایشان تفهیم بکند؟ آن کسی که آنها او را نمیشناسند؟ اما آلت دست بیگانه است، آن کانالی که آنها درست از آن اطلاع ندارند، اما کانالیست به آقای اردشیر زاهدی مثلا". اگر چنانچه این چنین چیزی را برایش تفهیم کردند علیه نظام اسلامی ایران خواهد جنگید بخیال اینکه راه را برای نظام ایده آل خودش هموار کند، اما آب به آسیاب کی میریزد؟ شما بگوئید.

سوال: در مورد ایزدی که میگویند فتوادل است، پس چرا انتخابش کردید؟

جواب: "اولا" بنده از فتوادل بودن ایشان و از اینکه یک وجب زمین دارند یا نه هیچ خبر ندارم. ثانياً "بنده انتخابشان نکردم، آقای مهندس بزرگان انتخابشان کرده‌اند.

سؤال: با توجه باینکه در مناطق وسیعی از روستاهای مازندران بیش از ۸۰٪ زمین‌های زراعتی در اختیار ۲ تا ۳ درصد افراد است، چرا تاکنون جهت تقسیم اراضی صحیح تصمیم گرفته نشده چرا چندین هزار هکتار زمین بنیاد مستضعفین بین زارعین بدون زمین تقسیم نشده وضع موجود نه اسلامی است نه قابل دوام که هم اکنون نا آرامی‌هایی در منطقه ایجاد کرده و فرصت طلبان کوشش دارند به آن دامن بزنند.

جواب: مساله اصلاحات ارضی البته به شکل درستش بسیار خواسته مشروع و منطقی است اینکه چرا نشده البته پاسخهایی دارد، خوب پاسخش را خود شما هم می‌توانید حدس بزنید، چون این دولت دولت انتقال است اینکه میگویند دولت سازنده یا عصر سازنده بنده

نه دلم خیلی اینرا قبول ندارم ما بایستی انقلابی را که بدست آورده ایم یک ترتیبی به آن بدهیم بعد منتقل شویم به آن نظام مستقر یعنی به آن دولت مستقر و آن دولت مستقر برود به سوی نظام اسلامی با گامهای بلند و تند. این دولت آنچه که انجام داده برنامه‌هایی که انجام داده آن مقدارش هم که انقلابی بوده بنظر بنده میتوانست بماند و هرچه زودتر کار مقدمات تشکیل دولت ثابت انجام بگیرد بنابراین، این سوال عرضی را من با شما هم عقیده و همفکر انتظار بکشیم تا انشالله در آینده‌ای که چندان دور نباشد انجام بگیرد. این که می‌گویید وضع موجود نه اسلامی است نه قابل دوام بنده هم با شما هم عقیده‌ام، اما شاید در تفسیر غیر اسلامی و بسی دوام با شما (برادریا خواهری که این سوال را کرده‌اند) فرق داشته باشم.

اسلامی نیست یعنی صد درصد اسلامی نیست بنده هم با شما هم عقیده‌ام. یعنی یک درصدی از اسلام در آن هست و یک درصدی از اسلام هم در آن نیست. اما منصفانه باید بپذیریم که دارد بطرف درصد بیشتری از اسلام میرود اینکه نوشته‌اید قابل دوام نیست دلیلش خیلی واضح است چون بناست انتخابات ریاست جمهوری بشود و این بعد هم بهم خواهد خورد. والا اگر چنانچه این مساله در پیش نبود هیچ دلیلی نداشتند که قابل دوام نباشد نه خیر قابل دوام هم بود. خوب مساله انتخابات رئیس جمهوری است و این بعد هم خود بخود تمام خواهد شد. اینکه فرمودید نا آرامی‌هایی در منطقه ایجاد شده البته قبول دارم که بعضی از این نا آرامی‌ها معلولش تصمیم‌هایی است

که گرفته شده، اما این را به شما برادر یا خواهر عزیز تذکر بدهم، همه تصمیم‌هایی که موجب نا آرامی شده تصمیم‌های بدی نبوده، بعضی از آنها تصمیم‌های بسیار خوبی بوده اما موجب نا آرامی شده، بعضی از تصمیم‌ها، تصمیم‌های خوبی است اما نا آرامی ایجاد میکند چرا؟ بخاطر اینکه هر تصمیمی در این مملکت گرفته بشود یک عدای را ناراحت میکند شما در هر جا تصمیم به تصفیه بگیرید یک عده ناراضی میشوند و آنها اگر چنانچه یک ذره بخودشان بجنبند نا آرامی ایجاد میشود و حق با شماست که نوشته‌اید فرصت طلبان کوشش دارند به آن دامن بزنند. بنه ناراضی‌های کوچک را فرصت طلبان به صورت ناراضی‌های بزرگ و گله‌مندی‌های گاهی غیر قابل تحمل در می‌آورند. البته این سوال، سوال خیلی مفصلی است و بیش از ۵ دقیقه هم وقت نداریم که بیش از این به آن نمی‌پردازیم.

سوال - آیا خط‌امام یک سلسله مسائل ذهنی است یا اینکه در خارج باید جنبه‌های عملی آن را، ببینیم؟

جواب - نه خیر باید ببینید.

سوال - اگر خط‌امام یک سلسله مسائل ذهنی است پس فرق امام با مکتب و قرآن چیست؟

جواب - خیر خط‌امام ذهنیاتی است که باید در خارج منعکس شود.

سوال - چون قرآن و موضعش خیلی مشخص تر از امام میباشد و اگر خط‌امام جنبه عملی دارد پس چرا این جهات عمل را در جامعه نمی‌بینیم و تمام ارگان‌هایی که امام تایید یا ایجاد کرده است از قبیل

دولت - شورای انقلاب دادگاههای انقلاب ، حزب جمهوری اسلامی و نمایندگان اعزامی امام در مسیرهای انحرافی و ارتجاعی عمل می نمایند .

جواب - بنظر من این تعبیر یک مقدار ظالمانه است که تمام نهادهایی که دولت ایجاد کرده در خط ارتجاعی قدم میگذارند جنابعالی از حزب جمهوری اسلامی ، از عملکردش چه میدانید به فرمایید ببینم و اگر ثابت کردید ارتجاعی است بنده استعفایم را مینویسم میدهم به شما ، شما بروید بجای بنده در شورای مرکزی حزب بنشینید ، بزنید تا ببینیم چطور میزنید . شما گویا فراموش کردهاید که با یک مرداب ، با یک باتلاق ، از فرهنگ ارتجاعی غلط روبرو هستید . شما خیال میکنید اینجا یک کشور ۳-۲ میلیون نفری است که با یک سخنرانی بشود فرهنگش را ، جهتش را ، و هدفش را یا عوض کرد یا اندکی تغییر داد . اینجا با این فرهنگ عمیق عریق غلط استعماری ، استبدادی ، شاهنشاهی ، ارتجاعی خوکرده و رشد کرده ، خود همین که شما اینطور قاطع عمل میکنید و اینطور قاطع قضاوت میکنید اجازه بدهید این را بگویم که دولت و شورای انقلابی را که از آن و از عملکردش و از سازمانش و از تشکیلاتش هیچ خبری ندارید اینطور راحت محکوم میکنید خود این از نتایج غلط فرهنگ شاهنشاهی است برادر یا خواهر عزیز . زیرا که شما چه میدانید که شورای انقلاب چیست ؟ و چه میکند و سازمانهایش و ارگانهایش و چگونگی تصمیم گیریهایش چیست ؟ و اصلا " چکاره است ، میگوید ارتجاعی عمل میکند و خبرهم از داخلش ندارید این یک کار شاهانه

است مواظب باشید کار شاهانه انجام ندهید بعد هم اضافه کرد ، باید که با توجه به اینکه چون امام این ارگانها را ایجاد و یا تایید کرده است مسئولیتش متوجه شخص وی میباشد که به هیچ وجه اینطور نیست .

سوال - یک نتیجه دیگری که میتوان گرفت اینست که همه این عملکردها دقیقا " مطابق خط امام میباشد مخصوصا " با مصاحبه های وزیر کشاورزی در روزنامه انقلاب اسلامی که وقتی از ایشان سوال کرده بودند که چرا زمین فتودالها را نمیگیرید و یا برای آن حدودی قائل نمیشوید ایشان گفته بودند که امام فرموده اند که در اسلام مالکیت حدودی ندارد .

جواب - این حرف دروغ است هرکسی که گفته باشد مالکیت در اسلام حدودی ندارد دروغ گفته است و هرکسی هم به امام نسبت داده باشد باز دروغ گفته است ، مالکیت محدود است . مالکیت در اسلام هست . نه اینکه حد ندارد . کی گفته که حد ندارد ، بنده عرض میکنم هر کس گفته دروغ گفته است .

سوال - این مسئله خود بخود این تردید را بوجود میآورد که تمام این مسائل از ماهیت امام نشئت میگیرد .

جواب - این را بدانید شما آنچه که امروز در این مملکت از انقلاب ، از حرکت از هیجان ما از ترقیخواهی دارید مربوط به خط امام است این را بدانید که انگیزه اش روشنفکری ، حرکت روشنفکری و مخصوصا " روشنفکری مذهبی ، بدون بودن این حرکتی که در راسش امام بود و سلسله جنبانش امام بود یا نمیگرفت این چیزی است که

ما از نزدیک لمس کردیم و آنچه برای ما ، امام ، نه به عنوان یک شخص بعنوان یک خط، بعنوان یک جهت بعنوان یک انسان بزرگ به بار آورده بیش از اینهاست .

سوال - آیا مالکیت در اسلام هست ؟

جواب - مالکیت هست ، محدود هم هست ، هست و محدود است از نظر امام و از نظر اسلام .

سوال - آیا این نظر اسلام است ؟

جواب - بله ، بله ، بله ، بله .

سوال - شما نقش دولت را در کاهش احساسات انقلابی مردم چه میدانید ؟

جواب - این هم از آن سوالهاست . نقش دولت در کاهش احساسات انقلابی مردم .

البته اگر یک دولت انقلابی بود ، اگر برآستی انقلابی عمل بیند در دولت و بوسیله دولت ، احساسات بسیار جوشنده تر و سیال تر میبود ، اما چون دولت طبق اعلامی که در آغاز کرد و بعد ها هم مکرر گفتند به آن صورت یک دولت انقلابی نبود و قهریست که آن نتیجه و مقصود عاید نشد . اما اینکه این نقش چقدر است . این سنگ مثقال لازم دارد که بنده اندازه گیری کنم و ببینم که چقدر میشود .

